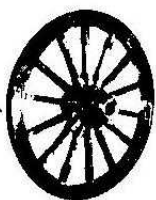


فلسفه دیزاین



www.ketab.ir

نیباییت فلسفه

فلسفه دیزاین / گلن پارسونز

ترجمه افشین خاکباز

مقابله و اصلاح منظر محمدی

ویرایش امیرمولایی

صفحه‌آرایی استودیو مشکی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی واژه پرداز اندیشه

چاپ نخست ۱۳۹۸. شمارگان ۵۰۰ نسخه

نشر مشکی. تهران ۹۸ ۰۰ ۶۸ ۷۷

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

 meshkipublication

 meshki_pub

همه حقوق برای ناشر محفوظ است. مجوز تولید همه یا بخشی از کتاب
به‌هرصورت (انتشار الکترونیک، چاپ، توکی، تصویر، صوت)
بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

سرشناسه: پارسونز، گلن، ۱۹۷۱-م.

Parsons, Glenn

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه دیزاین / گلن پارسونز؛ ترجمه افشین خاکباز.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۴۳۹-۵-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: [2016]. *The philosophy of design*.

موضوع: طراحی-فلسفه

Design-Philosophy

موضوع: کالاها-طراحی-فلسفه

Product design-Philosophy

موضوع: زیبایی‌شناسی

Aesthetics

شناسه افزوده: خاکباز، افشین، ۱۳۴۳-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ف۲۸ پ/ NK1۵۰۵

رده‌بندی دیویی: ۱۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۹۷۱۵۱

فهرست

۱۷۱

ویرایش

۲۷ | ویرایش

۲۸ | ویرایش و ترجمه

۲۹ | ویرایش و ترجمه

۳۰ | ویرایش و ترجمه

ویرایش

۱۰۱ | ویرایش

۱۱۲ | ویرایش و ترجمه

۱۱۳ | ویرایش و ترجمه

۱۱۴ | ویرایش و ترجمه

۱۱۵ | ویرایش و ترجمه

۱۱۶ | ویرایش و ترجمه

ویرایش

۲۲۱ | ویرایش

۲۲۲ | ویرایش و ترجمه

۲۲۳ | ویرایش و ترجمه

۲۲۴ | ویرایش و ترجمه

۲۲۵ | ویرایش و ترجمه

۲۲۶ | ویرایش و ترجمه

ویرایش

۲۲۷ | ویرایش و ترجمه

۲۲۸ | ویرایش و ترجمه

۲۲۹ | ویرایش و ترجمه

۲۳۰ | ویرایش و ترجمه

۲۳۱ | ویرایش و ترجمه

مقدمه

فصل اول

دیزاین چیست؟ | ۱۵

۱/۱ تعریف «دیزاین» | ۱۸

۱/۲ مسائل هستی‌شناختی | ۲۶

۱/۳ فعالیت، حرفه و تمرین | ۳۴

۱/۴ پیدایش دیزاینر | ۴۲

فصل دوم

فرایند دیزاین | ۴۵

۲/۱ چالش‌های دیزاین | ۴۸

۲/۲ بحران اعتماد | ۵۲

۲/۳ مسئله معرفت‌شناختی | ۵۵

۲/۴ آیا مسائل دیزاین به خوبی تعریف نشده‌اند؟ | ۶۱

۲/۵ برخی واکنش‌ها | ۶۶

۲/۶ پیش‌ساختارها و اصول | ۷۲

فصل سوم

مدرنیسم | ۷۹

۳/۱ سرچشمه‌های مدرنیسم | ۸۲

۳/۲ بازتفسیرها و پیوندها | ۸۶

۳/۳ ناکامی مدرنیسم؟ | ۹۳

فصل چهارم

بیان | ۱۰۱

۱/۱ معنای دیزاین | ۱۰۴

۴/۲ بیان و اژس | ۱۰۹

۴/۳ استدلال با حقیقت بهتر | ۱۱۱

۴/۴ توهین و واقعیت | ۱۱۶

۴/۵ یک اعتراض | ۱۲۰

فصل پنجم

مفهوم کارکرد | ۱۲۳

۵/۱ عدم تعیین کارکرد | ۱۲۶

۵/۲ نظریه‌های قصدگرایانه کارکرد مصنوعات | ۱۲۹

۵/۳ نظریه‌های تکاملی کارکرد مصنوع | ۱۳۴

۵/۴ انتقادات به نظریه تکاملی | ۱۳۹

۵/۵ بداعت، دیزاین و مسئله معرفت‌شناختی | ۱۴۴

فصل ششم

کارکرد، فرم و زیبایی‌شناسی | ۱۴۷

۶/۱ آیا فرم می‌تواند از کارکرد پیروی کند؟ | ۱۵۰

۶/۲ ایجاد توازن میان کارکرد و ارزش زیبایی‌شناختی | ۱۵۴

۶/۳ زیبایی وابسته | ۱۶۱

۶/۴ زیبایی کارکردی | ۱۶۷

۶/۵ سلیقه خوب در دیزاین | ۱۷۱

۶/۶ سلیقه بد | ۱۷۷

فصل هفتم

اخلاق | ۱۸۳

۷/۱ اخلاق کاربردی و دیزاین | ۱۸۴

۷/۲ مصرف‌گرایی، نیازها و خواسته‌ها | ۱۸۸

۷/۳ نیاز: مفهومی تهی است؟ | ۱۹۳

۷/۴ آیا دیزاین چشم‌انداز اخلاقی را تغییر می‌دهد؟ | ۱۹۶

۷/۵ آیا دیزاین مهم است؟ | ۲۰۴

سخن آخر

معنای مدرنیسم | ۲۱۱

یادداشت‌های نویسنده | ۲۱۷

یادداشت‌های ناشر | ۲۳۷

راهنمای تصویری | ۲۳۹

پیشنهاد مطالعات بیشتر | ۲۴۴

نام‌نامه | ۲۴۵

منابع | ۲۴۹

فلسفه بر دو نوع است. یکی آن که از مسیرهای پاخورده سنت فلسفی و اندیشمندان بزرگ می‌گذرد و پرسش‌های دیرینه را همچون «نفس چیست؟»، «آیا خدا وجود دارد؟»، «معرفت چیست؟» و مواردی از این دست را مباحث می‌کند و دیگری فلسفه‌ای که رهپویش از راه‌های رفته بیرون می‌روند و وارد قلمرو کمتر شنیده‌ها می‌شوند و رویکرد فلسفی را برای موضوعات تازه‌ای به کار می‌بندند که تاکنون بررسی نشده است. کتاب حاضر در گروه دوم جای می‌گیرد، چون هیچ یک از شاخه‌های فلسفه تاکنون به این رادار کانون توجه خود قرار نداده است.

البته درباره دیزاین نظریه‌های متعددی مطرح بوده است و از آنجا که واژه «فلسفه» قلمرو گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، بررسی این نظریه‌ها مانند «فلسفه دیزاین» می‌نامند. بین نظریه و فلسفه، اگرچه با یکدیگر هم پوشانی دارند، تمایز مهمی هست. به طور کلی، تفاوت این دو در آن است که برخلاف فلسفه، انگیزه و کانون توجه اصلی نظریه دیزاین عمل دیزاین است (گال، ۲۰۱۱). پرسش‌هایی که از دل نظریه برمی‌خیزد به زودی برخاسته از ملاحظات عملی کنونی هستند و در چارچوب این ملاحظات قرار دارند. روی پرسش‌های فلسفی چنین نیستند. این به هیچ وجه از اهمیت نظریه کم نمی‌کند و در واقع، شاید برای کسی که حرفه‌اش دیزاین است، نظریه بسیار سودمندتر از فلسفه باشد. ولی این بدان معناست که مجموعه نوشته‌های نظری کنونی درباره دیزاین را نمی‌توان به همان معنایی که از «فلسفه هنر» سخن می‌گوییم «فلسفه دیزاین» بنامیم.

این نکته ما را به این پرسش می‌رساند که چه چیزهایی در فلسفه دیزاین جای می‌گیرد

و چه فایده‌ای برای دانشجویان یا شاغلان دیزاین دارد. به عبارت کلی، فلسفه دیزاین در پرتو پرسش‌هایی که فلسفه بررسی می‌کند به بررسی دیزاین و اهداف و مسائل خاص آن می‌پردازد: پرسش‌هایی درباره دانش، اخلاق، زیبایی‌شناسی و سرشت واقعیت. باید گفت که فلسفه به جای نتایج صریح و بی‌ابهام، معمولاً طیفی از مواضع محتمل را ارائه می‌دهد که هریک مزیت‌ها و مشکلات خود را دارد. همچنین، گاهی نمی‌توان مواضع فلسفی را با توجه به سرشت آن‌ها به صورت مستقیم در مورد امور «زندگی واقعی» به کار بست. آنچه فلسفه واقعاً به دانشجویان یا کاربران ارائه می‌دهد چشم‌اندازی است گسترده‌تر در آره آنچه انجام می‌دهند و رابطه آن با سایر جنبه‌های مهم زندگی انسان. ترنایم بحرستن به کارهای روزمره خود از چنین زاویه‌ای و اندیشیدن بر اساس جایگاه آن در طرح بزرگ‌تر چیزها و نشانه‌های فرهیختگی است و این همان چیزی است که فلسفه می‌تواند برای بررسی آن‌ها کمک کند.

همان‌طور که تأملات فلسفی درباره «هنرهای زیبا»، برخلاف دیزاین، سنتی دیرپا دارد. این مسئله به نفعی قابل درک است چون اگرچه هزاران سال است از آثار هنری برخورداریم، ولی دیزاین پدیده‌ای در بیش متأخر است. با این همه، امروزه دیزاین از چنان رواج و وجهه‌ای برخوردار است که بی‌شک فلسفه به آن نادیده نمی‌ماند. در واقع، در میان حرف و حدیث‌های متأخر درباره «بازار» می‌توان گفت که امروزه دیزاین از نظر اهمیت فرهنگی بر هنر سایه انداخته است. اگر سیر باشد، شاید زمان مناسب برای بررسی فیلسوفانه دیزاین فرا رسیده باشد.

از این رو، کتاب حاضر را به چنین بررسی‌ای اختصاص دادیم. قلمرو فلسفه دیزاین را ترسیم کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که دغدغه‌هایش، با آن نوع پرسش‌های بنیادینی که ذهن فیلسوفان را به خود مشغول کرده است ارتباطی عمیق دارد. خوش‌شانسانه این مسئله به دو دلیل از آنچه به نظر می‌رسد بلندپروازانه‌تر است. نخست اینکه اگرچه تاکنون حوزه پژوهش متمایزی که بتوان «فلسفه دیزاین» نامید وجود نداشته است، فیلسوفانی که در حوزه‌های مختلفی همچون زیبایی‌شناسی، اخلاق، معرفت‌شناسی، متافیزیک و فلسفه فناوری فعالیت دارند به‌طور مستقیم در زمینه دیزاین یا مسائل مرتبط با آن کارهای

فلسفی درخشانی انجام داده‌اند. کتاب حاضریش از هر چیز در پی بررسی نظام‌مند این کارهاست. دوم اینکه برای بررسی نظام‌مند دیزاین از نوعی الگو برخورداریم که جنبش مدرنیسم برای مان به یادگار گذاشته است.

این نکته آخر توضیحی را طلب می‌کند، چون معمولاً این ادعای فلسفی مدرنیسم را نمی‌پذیرند که این مکتب «چیزی فراتر از سبکی دیگر» است و آن را دقیقاً سبک، یعنی مرحله سبکی بسیار تحمیل‌گرانه‌ای می‌دانند که روزگارش سپری شده و به تاریخ ذوق‌ها [۱] پیوسته است. دیدگاهی که در اینجا برگزیده‌ایم آن است که مدرنیست‌ها، روشن‌تراز هر کس دیگری، مسائل فلسفی اصلی مرتبط با دیزاین و پیوندهای میان آن‌ها را درک می‌کردند، اما اغلب نمی‌توانستند. فلسفای خود در این حوزه را بسط و گسترش دهند. بنابراین یکی از عناصر اصلی این کتاب، تلاش برای بازسازی اندیشه‌های اصلی مدرنیستی و قرار دادن آن‌ها در معرض تحلیل قرار می‌دهد. اگرچه دیدگاه‌هایی که اندیشه‌های مدرنیستی تولید کردند همواره با موفقیت همراه نبوده، این اندیشه‌ها همچنان نقطه آغازی حیاتی برای بررسی فلسفی هستند و در اینجا نوبت به آن‌هاست که مورد استفاده می‌کنم.

طرح [۲] مختصر این کتاب چنین است: «فصل نخست، با بررسی تعاریف «دیزاین» که نظریه‌پردازان و فیلسوفان دیزاین ارائه داده‌اند موضوع کتاب را روشن می‌کنم. سپس بر اساس تعریف گریگ بمفورد، مفهومی از دیزاین به شکل تاریخ خاصی از عمل اجتماعی را ارائه می‌دهم که ریشه‌های تاریخی اصلی آن در انقلاب صنعتی نهفته است. در فصل دوم، نوع حل مسئله‌ای [۳] را که ویژگی دیزاین است با نگاهی به تاریخ بررسی می‌کنم و پرسش فلسفی مهمی را مطرح می‌کنم که از آن ناشی می‌شود. فصل سوم به معرفی مدرنیسم، نه به عنوان حرکتی تاریخی، بلکه در مقام تلاشی فلسفی برای پاسخ دادن به این مسئله اختصاص دارد و در سایر بخش‌های کتاب، واکنش مدرنیست‌ها به این مسائل سنگ بنای بحث‌های ما درباره مسائل مختلفی خواهد بود که در قلب دیزاین قرار دارد.

در فصل چهارم، تلاش مدرنیست‌ها برای محدود ساختن جنبه بیانگرانه دیزاین را بررسی می‌کنم و این تلاش را با اندیشه‌های معاصر در باب معنای دیزاین و به طور کلی فرهنگ مادی مرتبط می‌سازم. فصل پنجم، یکی از مفاهیم اصلی مدرنیسم، یعنی کارکرد را

بررسی می‌کند و دربارهٔ دو نظریهٔ فلسفی سخن می‌گوید که این مفهوم را روشن می‌سازد. فصل ششم، به مسائل زیبایی و زیبایی‌شناسی و این مفهوم مدرنیستی بازمی‌گردد که بین کارکرد زیبایی رابطه‌ای حیاتی وجود دارد. در نهایت، فصل هفتم، به جنبه‌های اخلاقی دیزاین از جمله رابطهٔ دیزاین با مصرف‌گرایی، تأثیر دیزاین بر چارچوب‌های اخلاقی ما و روش‌های ممکن برای دیزاین اخلاقی می‌پردازد. کتاب را با اظهار نظری دربارهٔ میراث اندیشهٔ مدرنیستی برای پژوهش‌های فلسفی دیزاین به پایان می‌برم.

در تلاش برای ترسیم نقشهٔ این حوزه، ادعا نمی‌کنم که همهٔ مسائل فلسفی مرتبط با دیزاین را یافته‌ام یا به آن‌ها پاسخ داده‌ام. با این همه، اگر کتاب حاضر بتواند نشان دهد که در این حوزه‌ای است که ارزش بررسی فلسفی مستقل را دارد کار ارزشمندی کرده است.